

The Impact of Local Structures on Socio-Political Action; Case: Baluch in Iran

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Zarqami B.¹ PhD,
Roumina E.* PhD,

How to cite this article

Zarqami B, Roumina E. The Impact of Local Structures on Socio-Political Action; Case: Baluch in Iran. Geographical Researches Quarterly Journal.2018;33(3):24-37.

*Department of Political Geography, Faculty of humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
¹Jahade Daneshgah University, Tehran Iran

*Correspondence

Address: NO. 330, Floor 3, Human Sciences Faculty, Tarbiat Modares University, Nasr Bridge, Jalal-Al-Ahmad Highway, Tehran, Iran.
Phone: -
Fax: -
e.roumina@modares.ac.ir

Article History

Received: July 16, 2018
Accepted: October 22, 2018
ePublished: December 09, 2018

ABSTRACT

Introduction and Background There is a relationship between local structures and individual and social actions. These relationships are formed before they are determined. These structures are not entirely objective frameworks. But some of them have merged with subjective characteristics. The studied structures in the Baluch region of Iran organize citizens' activities within a specific framework. The purpose of this article is to examine the impact of local and sustainable structures on Baluch political-social activities in Iran.

Aims The purpose of this article is to examine the impact of local and sustainable structures on Baluch political-social activities in Iran. Iranian Baluch has multi-layered local structures that shape these social-political actions.

Methodology The method of this research is descriptive-analytic. The research approach is mostly quantitative. The results are based on the logical reasoning of the results from the field study. In order to formulate the socio-political activities of the Baluch region of Iran, socio-political structures were first extracted through documentary and library study. Since the extracted structures did not have the required level of confidence, they were presented to the Baluchist experts in the form of research variables and refined and weighed based on the comments received. After weighing, the most important variables in the form of a researcher-made questionnaire were evaluated and then, after confirming validity and reliability, they were distributed among the target population.

Conclusion The results of field studies in the studied variables indicate the effect of these structures on the socio-political activities of Baluchis. Of the local structures, religion and related structures have a greater role. Also the national level plays a lesser role in Baluch social-political activities. Therefore, any kind of planning in relation to the citizens of this part of Iran needs to know about these structures and their sustainable effects on the actions of residents of this part of Iran.

Keywords Baluch; Local Structure; Social Action; Political Action

CITATION LINKS

[Ahmadi; 2004] Ethnicity & ethnocentrism ...; [Almond; 1956] Comparative ...; [Almond & Coleman; 1960] The politics of the ...; [Azad Armaki; 1997] Theories of ...; [Azkia & Ghaffari; 2005] Development ...; [Bashiriyeh; 2005] Marxist ...; [Bashiriyeh; 2010] Political ...; [Chilcote; 1998] Theories of comparative ...; [Craib; 2002] Modern social theory ...; [Dalby; 2008] Imperialism, domination, culture ...; [Dowse & Hughes; 1972] Political ...; [Ebrahimzadeh; 2010] Land use and ...; [Ebrahimzadeh; 2012] Geographical area of southeast ...; [Eckstein; 1988] A culturist theory ...; [Ghalibaf; 1996] Investigating of geographic ...; [Hafeznia & Allahverdizade; 2010] A Study of Relationship between the Unitary ...; [Hafeznia & Kaviani Rad; 2004] The new ...; [Hajiani; 2010] Rreviewof ...; [Hatch; 1997] Organization theory ...; [Hosseini; 2008] Government policy ...; [Inglehart; 1988] The renaissance of ...; [Janebollahi; 1996] Political, social and economic ...; [Karimipour; 1992] Geopolitical analysis of crisis ...; [Kaviani Rad; 2001] The role of ethnic identity in ...; [Lashgari Tafreshi; 2018] An inquiry into the ...; [Lazarsfeld; 1997] Insights and important ...; [Lerner & Lucille; 2004] The passing of traditional ...; [Lijphart; 1980] The structure of inference ...; [Maghsoudi; 2001] Ethnic evolution in Iran ...; [Mirmohammadi; 2004] Discourses on national identity ...; [Moghadasi & Ghodrati; 2004] The anthony giddens structural ...; [Nosratinejad; 2002] A survey on the political ...; [Papoli Yazdi; 1988] Political-economic effects ...; [Razzaghi; 1996] Components of our political ...; [Rezaei; 2015] Impact of regional demands ...; [Ritzer; 1998] Contemporary sociological ...; [Salzman; 1996] Kin and contract in Baluch ...; [Sariolghalam; 2010] Political culture ...; [Weiner & Huntington; 2002] Understanding political ...; [Zarghami; 2010] Comparative analysis of the ...

تأثیر ساختارهای محلی بر کنش اجتماعی - سیاسی؛ مورد: بلوچ‌های ایران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۳۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۲۵

DOI: 10.29252/geores.33.3.24

چکیده

مقدمه: در این پژوهش ساختار نه چارچوبی کاملاً عینیت یافته بلکه تا حدودی در آمیخته با ذهنیت و تا حدودی توانایی بخش است که این سطوح ساختاری در قلمروهای جغرافیایی بلوچ‌نشین ایران، کنش‌های باشندگان آن قلمرو را در چارچوب مشخصی سامان داده و یا جهت‌دهی می‌کند.

اهداف: این مقاله باهدف بررسی تأثیر ساختارهای پایدار و تأثیرگذار محلی بر کنش‌های سیاسی- اجتماعی بلوچ‌های ایران انجام شده است. از نظر تئوریک بین این ساختارها، روابطی ضروری وجود دارد که قبل از آنکه تعیین شوند تاندازهای شکل گرفته‌اند و در هر سطحی شکل‌دهنده کنش‌های فردی یا اجتماعی هستند.

مواد و روش: روش انجام این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. رویکرد غالب بر پژوهش کمی است. نتایج حاصل با تکیه بر استدلال منطقی از نتایج حاصل از یافته‌های میدانی استوار است. جهت احصاء کنش‌های اجتماعی - سیاسی منطقه بلوچ‌نشین ایران، ابتدا ساختارهای اجتماعی - سیاسی به روش اسنادی و کتابخانه‌ای استخراج شد. از آنجا که ساختارهای استخراج شده از سطح اطمینان لازم برخوردار نبود، در قالب متغیرهای تحقیق به متخصصین بلوچ شناس ارائه شد و با اتکا نظرات دریافتی پالایش و وزن دهی شد. پس از وزن دهی، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در قالب پرسشنامه محقق ساخته مورد ارزیابی اولیه قرار گرفت و پس از روایی و پایایی حاصل شده بین جامعه آماری موردنظر توزیع گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از مطالعات میدانی در هر یک از متغیرهای مورد مطالعه بیانگر تأثیر این ساختارها بر کنش‌های اجتماعی- سیاسی شهروندان این بخش از ایران است و این ساختارها، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی و سیاسی شهروندان بلوچ را جهت‌دهی می‌کند. لذا هر نوع برنامه‌ریزی توسعه‌ای نیز در ارتباط با شهروندان این بخش از ایران نیازمند شناخت این ساختارها و تأثیرات پایدار آنها بر کنش‌های ساکنان این بخش از ایران است.

واژگان کلیدی: بلوچ‌ها، ساختار محلی، کنش اجتماعی، کنش سیاسی

مقدمه

طیفی از خصلت‌ها، ویژگی‌ها، روحیات، ارزش‌ها، ایستارها و احساسات، شهروندان فضاهای جغرافیایی را از همدیگر متمایز می‌کند و هر مجموعه از ارزش‌ها، ایستارها و خصلت‌ها، ساختار فرهنگی ویژه خود را بنا می‌کند (Sariolghalam, 2010). لرنر در کتاب «گذر از جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه» ایستایی ساختارهای حاکم بر جوامع این بخش از جهان را مورد تحلیل قرار می‌دهد (Lerner & Lucille, 2004). ایستارهایی که بسیاری از جوامع اکولوژیک، از جمله بلوچ‌ها را شامل می‌شود. شرایط

بلوچ‌های ایران، همچون دیگر گروه‌های اکولوژیک، ناشی از دلایل متعددی است که یکی از این دلایل، ساختارهای حاکم بر آنان است. این ساختارها از ایستایی و پایداری برخوردار بوده و جزئی از ارزش‌های محلی محسوب می‌گردد و متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و فضایی آن‌ها است. ساختارهای شکل‌گرفته، برکنش‌های اجتماعی آنان تأثیرگذارند. کنش‌های اجتماعی نیز با تکیه بر نیروهای سیاسی متأثر از شرایط مکانی-زمانی، برآیندهای خاص خود را دارند.

اشکال اجتماعی - سیاسی مورد مطالعه متأثر از فرهنگ سیاسی شکل‌گرفته در این بخش از ایران و به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال بحث از سطح تحلیل روان‌شناسانه خُرد و فردی به سطح تحلیل اجتماعی و فرهنگ محور محسوب می‌گردد (Chilcote, 1998). ساختارهای مورد مطالعه در این پژوهش در قالب فرهنگ شکل‌گرفته است که حاصل کوشش تاریخی و رویه مشترک افراد است و یک نیروی سیال در سطح یک جامعه است که افراد آن جامعه را مجبور به انجام کارهای معینی نموده و بخشی از بایدها و نبایدها و هنجارهای جامعه را شکل می‌دهد. همین هنجارها و بایدها و نبایدها تأثیر مهمی در برنامه‌ها و اهداف حکومت‌ها و جوامع و نقش بسیار مهمی در تغییرات محیط جغرافیایی دارد. در واقع استراتژی‌های سیاسی با استدلال‌های بزرگ‌تری از فرهنگ و اقتصاد سیاسی مرتبط هستند (Dalby, 2008). فرهنگ سیاسی در چارچوب محدودیت‌ها و امکاناتی که فضا در اختیار نیروهای تأثیرگذار قرار می‌دهد شکل‌دهنده فرایندهای فضایی واقع می‌شود (Hafeznia & Allahverdzade, 2010). به عبارت دیگر، این ساختارهای ایستا یا با پویایی اندک، کنش ساکنان یک فضای جغرافیایی خاص را چارچوب‌بندی و مفصل‌بندی ویژه می‌بخشد. در ساختارها، شبکه پیچیده‌ای از روابط حاکم است که به یکدیگر مرتبط هستند (Azad Armaki, 1997; Craib, 2002).

برخی پژوهشگران علاوه بر تأکید بر ساختارها، به واحدهای زمانی- مکانی اهمیت خاصی می‌دهند و معتقدند که واحدهای زمانی- مکانی دارای چنان جایگاهی هستند که می‌توانند اعمال انسانی را شکل می‌دهند. چنین برداشتی از ساختار به ما کمک می‌کند تا از پدیده‌های اجتماعی همچون کنش‌های محلی در فضاهای جغرافیایی درک واقع‌بینانه‌تری داشته باشیم. از این رو مفهوم فرهنگ سیاسی بر مفروضات زیر استوار است:

۱. در هر جامعه، فرهنگ سیاسی معین به فرایندهای سیاسی آن جامعه معنا و جهت می‌دهد؛
۲. رفتار سیاسی در جامعه از یک سلسله باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها ریشه می‌گیرد؛
۳. باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها، بنا بر الگو و انگاره خاصی، تحول می‌یابد و برحسب اتفاق نیست؛
۴. یک فرد در جامعه، این باورها، احساس‌ها و ارزش‌ها را درونی کرده و به صورت جزئی از شخصیت افراد و منشأ رفتار آن‌ها درمی‌آید (Razzaghi, 1996).

نظام سیاسی و طایفگی حاکم بر فضای مورد سکونت بلوچ‌ها در ایران یکسان و مشابه نیست و بین طوایف و گروه‌های اکولوژیک ساکن در هر فضا تفاوت وجود دارد. به‌عنوان نمونه بین ساکنان میرجاوه و عشایر ریگی با طایفه مبارکی در بلوچستان مرکزی و طایفه سیاهانی و گمشادزی در سراوان تفاوت‌هایی وجود دارد. شیوه‌های مدیریت و حتی سطح فرهنگ هریک از این طوایف نیز در نوع فرمان‌برداری آن‌ها تأثیرگذار است. در این تحقیق سعی شده است با توجه به مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار سنتی و همچنین متغیرهای تأثیرگذار نو همچون رسانه‌ها و گروه‌های سیاسی و شبکه‌های اجتماعی و ... رویکردی کلی نسبت به بروز کنش‌های اجتماعی - سیاسی شهروندان بلوچ استخراج گردد. از آنجاکه فضای جغرافیایی این استان پس از انقلاب کنش‌های اجتماعی- سیاسی متعددی را داشته است و در برنامه‌های ششم توسعه ایران در کانون برنامه‌های توسعه ملی قرار گرفته است، این پژوهش می‌تواند بستر مطالعاتی توسعه‌ای آتی واقع گردد.

روش‌شناسی تحقیق

شیوه گردآوری داده‌ها: داده‌های مرتبط با پژوهش حاضر، به دو شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در روش اسنادی - کتابخانه‌ای، متغیرهای مرتبط با فرهنگ اجتماعی که تأثیرگذار بر فرایندهای سیاسی هستند مورد مطالعه و استخراج قرار گرفت و همین متغیرها در قالب پرسشنامه توسط نخبگان و متخصصان حوزه اجتماعی بلوچ به تعداد ۲۱ نفر مورد ارزیابی قرار گرفت. لذا متغیرهایی که بیشترین وزن قابل‌اتکا جهت تحلیل شاخص‌های فرهنگی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی بلوچ‌ها را داشتند از مواردی که کم‌ترین وزن را کسب کردند تفکیک شدند. در ادامه نتایج حاصل از وزن دهی مهم‌ترین متغیرها در قالب پرسشنامه محقق ساخته مورد ارزیابی اولیه قرار گرفت و پس از روایی و پایایی حاصل‌شده، بین جامعه آماری موردنظر در شهرهای زاهدان، خاش، میرجاوه، سراوان، ایرانشهر و چابهار توزیع گردید. با توجه به پراکنش جامعه آماری مکانی و جمعیتی، در بازه زمانی مورد انتظار، تعداد ۵۱ پرسشنامه دریافت شد. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها در بخش یافته‌های میدانی پژوهش با آزمون آماری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

آزمون مناسب تحلیل: هدف از آزمون فرضیات پیشرو تعیین نسبت دو گروه مخالف و موافق در خصوص پرسش‌های مطرح‌شده است و اینکه آیا می‌توان با اطمینان بالا فروض مطرح‌شده در نمونه‌ها را به جامعه مورد مطالعه تعمیم داد یا خیر؟ بنابراین لازم است که از آزمون‌های مناسب تحلیل تفاوت میانگین‌ها استفاده کرد. با توجه به اینکه مقیاس متغیرها در سطح اسمی است و همچنین اینکه توزیع داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند لازم است از آزمون‌های نا پارامتریک استفاده شود. آزمون مناسب این تحلیل دوجمله‌ای^۱ که معادل نا پارامتریک تی تک نمونه‌ای است. برای سنجش روایی پرسشنامه از آزمون آلفای کربناخ استفاده شده است. آلفای کربناخ برابر ۰/۷۲۴ است که نشان از روایی قابل قبول پرسشنامه است. رویکرد حاکم بر پژوهش در بخش مطالعات میدانی کمی است. لیکن نتایج حاصل از پرسشنامه‌های دریافت شده با تکیه بر استدلال منطقی از نتایج حاصل از یافته‌های میدانی استوار است.

قلمرو تحقیق: قلمرو فضایی تحقیق را مناطق بلوچ‌نشین ایران شامل می‌شود و شهرهایی که پرسشنامه مربوطه تکمیل گردیده است شامل شهرهای زاهدان، میرجاوه، خاش، سراوان، ایرانشهر، چابهار و سرباز است. از آنجا که بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان دارای ترکیب منسجم‌تری از جامعه بلوچ است شهرهای بخش جنوبی بیشترین فراوانی آماری را در ارتباط با پرسشنامه‌ها به خود اختصاص دادند. قلمرو زمانی تحقیق در ارتباط با داده‌های میدانی، نیمه دوم سال ۱۳۹۶ و نیمه اول سال ۱۳۹۷ را به خود اختصاص داد و در این دوره زمانی مطالعات پژوهش انجام شد.

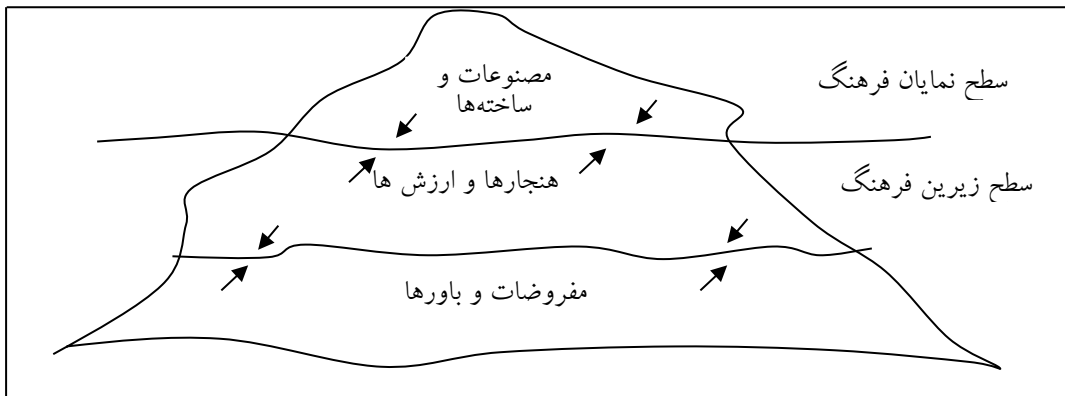
چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه ساختاری است و فرهنگ سیاسی به عنوان بن‌مایه متغیرهای مورد مطالعه در بروز کنش‌های رفتاری شهروندان بلوچ مدنظر قرار گرفته است. در هر نظام سیاسی یک حیطة ذهنی منظم از سیاست وجود دارد که به سیاست معنا، به نهادها نظم و به اعمال انفرادی، ارتباط اجتماعی می‌بخشد. فرهنگ سیاسی برای فرد دستوری برای رفتار سیاسی، و برای کل اجتماع ساختاری از ارزش‌ها به دست می‌دهد که به تضمین همبستگی در کارکردها کمک می‌کند (Dowse & Hughes, 1972).

ادگار شاین^۲ فرهنگ را در تعامل سه لایه باورها و مفروضات، ارزش‌ها و هنجارها و مفروضات و ساخته‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. آن دسته از مصنوعات که معانی خاصی را همراه با خود منتقل می‌سازند طی فرایندی به نماد تبدیل می‌گردند. از این رو مصنوعات و ساخته‌ها سطح نمایان فرهنگ یک جامعه را شکل می‌دهد (Hatch, 1997). (شکل ۱)

1 Binomial Test

2 Edgar H Schein



شکل ۱- سطح نمایان و زیرین فرهنگ

منبع: (Hatch, 1997)

سیدنی وربا و دیگران، فرهنگ سیاسی را در چارچوب غیر تجربی و در فرایند تاریخ بومی کشور مورد تأکید قرار می‌دهند (Inglehart, 1988) و آن‌ها در قالب‌های فرهنگ سیاسی محدود؛ تابع یا انفعالی و مشارکتی تقسیم‌بندی می‌کنند (Dowse & Hughes, 1972; Nosratinejad, 2002). فرهنگ سیاسی بر مبنای نظر برخی از اندیشمندان همچون رونالد اینگلهارت، ساموئل بارنز، رابرت پوتنام و دیگران که افراد و اعضای یک جامعه با توجه به تصور و درک خود بدان‌ها واکنش نشان می‌دهند (Weiner & Huntington, 2002) مدنظر است.

مفهوم فرهنگ سیاسی^۱ تا قبل از ۱۹۵۶ در چارچوب نظری و تئوریک آن به کار گرفته نشده است. اما پس از به کارگیری این واژه در مقاله تحت عنوان «نظام‌های تطبیقی سیاسی» از سوی آلموند حوزه معرفتی گسترده‌ای یافت (Almond, 1956) و مفهومی کلیدی در مقایسه و مطالعات تطبیقی و فرهنگی میان کشورهای جهان شد و توانست نقش برجسته‌ای را در تبیین رفتار سیاسی داشته باشد (Almond & Coleman, 1960; Eckstein, 1988).

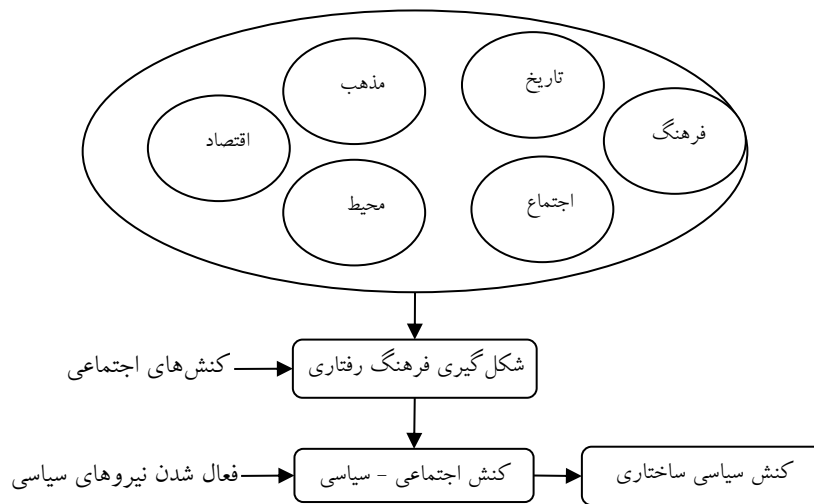
نظریه ساختاری شدن با نگاهی نو به ساختار و کنش، ضمن ارائه تعاریف جدیدی از این دو، آن‌ها را در روند زندگی اجتماعی و پدیده‌های طبیعی مؤثر می‌داند (Ritzer, 1998). ساختار اجتماعی به وسیله کنشگران فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد و خود همین ساختارها به واسطه مشخصه‌های ساختار و کنشگران متحول می‌شود (Moghadasi & Ghodrati, 2004) و عناصر یک ساختار تابع قواعد است و برحسب این قواعد است که ساختار مشخص می‌شود (Bashiriyeh, 2005). در مرکز نظریه ساختار، فرد به‌عنوان کنشگر اجتماعی دارای خلاقیت، اختیار و نیروی ارزشیابی است. اما این ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است که کنش وی را شکل می‌دهد (Lazarsfeld, 1997) و شبکه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، سنن و عادات اجتماعی در جامعه وجود دارند که اراده انسان‌ها را در خود محصور کرده و به آن جهت می‌دهند. انسان‌ها خارج از این شبکه قادر به گزینش نبوده و تنها افعالی را انجام می‌دهند که در چارچوب منافع عمومی است (Bashiriyeh, 2010; Craib, 2002). پارسونز فرهنگ را یکی از ابعاد چهارگانه جامعه (سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد) می‌داند. وی فرهنگ را نظامی از کنش دانسته و متغیرهای فرهنگ را نیز مطرح می‌کند. به این معنا که دوگانگی فرهنگی را مطرح می‌کند که مدعی است برخی از گروه‌ها یا افراد تنها یک‌گونه آن را دارند. وی دوگانگی کنش عاطفی/کنش غیر عاطفی؛ اشاعه/تفکیک؛ خاص‌گرایی/عام‌گرایی و انتساب و اکتساب را در ارتباط با فرهنگ بیان می‌کند (Azkia & Ghaffari, 2005).

فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از تمایلات شناختی، تحلیلی و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سیاسی ابراز می‌شود (Lijphart, 1980). بسیاری از باورهای سیاسی در دوران کودکی و نوجوانی به واسطه فضاهای تربیتی در خانواده، مدرسه و

1 Political Culture

جامعه به فرد منتقل می‌گردد و ثبات این باورها و واقعی بودن نمادهای آن‌ها در جامعه باعث تکامل جامعه می‌شود. چنانچه باورهای نزدیک به کانون‌های حکومتی با باورهای عامه مردم سنخیت داشته باشد و نظام آموزشی، رسانه‌ای و حس رضایت مردم از این باورها و نهادها تقویت‌کننده آن باشد، ثبات سیاسی آن سیستم سیاسی افزایش می‌یابد. هر زمان فرهنگ سیاسی در یک جامعه برای مدت طولانی، خصوصیات و ویژگی‌های خود را حفظ نماید، خارج از اراده کنشگر بر او تحمیل می‌شود و کارکرد آن منطق مسلط بر فرهنگ سیاسی موجود را تبیین می‌کند (Lashgari Tafreshi, 2018).

از آنجاکه تغییر این نوع باورها در طول زمان و با تحولات گسترده تحقق می‌پذیرد، پایداری نسبتاً طولانی بر این باورها حکم‌فرما می‌گردد. در نهایت نیروهای تولیدشده در پیدایش، رشد و وفاداری نسبت به ارزش‌های شکل‌گرفته مؤثرند (Hafeznia & Kaviani Rad, 2004) و با تکیه بر ویژگی‌های شکل‌گرفته طرح مطالبات و تقاضاهای رادیکال را پیگیری می‌کنند (Hajiani, 2010). با توجه به مباحث نظری فوق، چارچوب نظری تحقیق در شکل ۲ آورده شده است که فرایند کنش‌های اجتماعی - سیاسی جوامع محلی را ارائه می‌دهد.



شکل ۲- فرآیند شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی - سیاسی در جوامع محلی

پیشینه تحقیق

فیلیپ کارل سالزمن^۱ انسان‌شناسی کانادایی در ارتباط با بلوچستان ایران تحقیقات بسیار گسترده‌ای را انجام داده است. وی از سال ۱۳۴۷ تحقیقات خود را در بلوچستان آغاز کرد و با نگارش پژوهشی با عنوان «تطبیق و تغییر در میان بلوچ‌های یاراحمدزهی» موفق به اخذ دکترای از دانشگاه شیکاگو آمریکا شد. وی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و دگرگونی بلوچ‌ها را در گذر زمان و چرخه‌های سیاسی، اقتصادی و محیطی مورد مطالعه قرار داده است (Salzman, 1996). برخی از عناوین تحقیقات وی عبارت‌اند از:

- سیاه‌چادرهای بلوچستان؛
- خویشاوندی و قرارداد در گروه‌های رمه گردان بلوچ؛
- کوچ گران بلوچ در بازار؛
- کوچگری چند منبعی در بلوچستان ایران؛
- انطباق و ساختار سیاسی در بلوچستان ایران؛
- اسلام و اقتدار در ایران قبائلی: یک بررسی تطبیقی.

محمدحسین پاپلی یزدی در پژوهشی تحت عنوان، «پیامدهای سیاسی - اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان» در سال ۱۳۶۸ به نقش یک تولید اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نخلستان و خرما پرداخته و پیامدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تخریب آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. پیامدهایی که در تخریب اقتصاد سنتی و جایگزینی بدون برنامه محصولات و کشت‌های جدید را یادآوری می‌کند. در این مقاله بلوچستان همراه با ساختارهای اقتصادی آن همچون بز، شتر و قاچاق (از نظر بلوچ تجارت) فرهنگ اقتصادی، روابط اجتماعی و سیاسی متفاوتی را از سایر مناطق و نواحی کشور شکل داده است که با تخریب آن‌ها، این بخش از فضای جغرافیایی ایران به واسطه تفاوت‌های مذهبی و زبانی و عدم پیوستگی ارتباطی، پیامدهای عمیقی را در بردارد (Papoli Yazdi, 1988).

غلام حیدر ابراهیم‌بای سلامی در مقاله «چشم‌اندازهای توسعه پایدار شرق ایران» در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی در سال ۱۳۸۴ به بررسی ظرفیت‌های توسعه در این بخش پرداخته است. ظرفیت‌های ارتباطی به‌عنوان عامل زیربنایی توسعه در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است و طرح‌های اجراشده و یا در حال برنامه‌ریزی با تأکید بر مسیرهای ارتباطی ریلی موردتوجه این پژوهش بوده است (Ebrahimbai Salami, 2005).

یدالله کریمی پور در رساله دکتری با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی سیستان و بلوچستان» به بررسی ژئوپلیتیکی علل بحرانی بودن این منطقه و عواملی چون فقر، قاچاق، وهابیت، شرایط طبیعی، افغان‌ها، مواد مخدر، واگرایی و ضعف امنیتی پرداخته است (Karimipour, 1992).

محمد سعید جانب‌اللهی در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در طوایف بلوچ سرحد (نمونه: طایف ریگی» جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و کنش‌های محلی طایف ریگی را در ارتباط با فضای محلی مورد مطالعه قرار داده است. تأکید پژوهشگر در این مقاله بر ساختارهای محلی و نحوه حیات اجتماعی و مردم‌شناسی طایف ریگی است (Janebollahi, 1996).

مراد کاویانی‌راد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نقش قومی در اتحاد ملی؛ مطالعه موردی قوم بلوچ» به بررسی ویژگی‌های نامتجانس قومی و مذهبی و موقعیت بلوچستان، عناصر هویتی همگرا و واگرایی قومی بلوچ پرداخته است (Kaviani Rad, 2001).

محمدباقر قالیباف در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی و نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان»، به این نتیجه رسیده است که سه عامل عمده یعنی: ۱) شرایط جغرافیایی و اقلیمی منطقه، ۲) عامل مرکزگریز در منطقه، ۳) ویژگی‌های گذرگاهی سیستان و بلوچستان، دلایل اصلی مشکلات این منطقه است (Ghalibaf, 1996).

افراد دیگری همچون حمید احمدی (۱۳۷۹)، داوود میرمحمدی (۱۳۷۳)، مجتبی مقصدی (۱۳۸۰)، نیکنام حسینی پور سی سخت (۱۳۷۶۹). تیمور نصیری فرد (۱۳۸۱)، سید سلمان حسینی (۱۳۸۸)، محسن رضایی (۱۳۹۴)، فهیمه حسین‌زاده (۱۳۸۰)، برزین

ضرغامی (۱۳۸۹) و دیگران تحقیقاتی را در این زمینه داشته‌اند (Ahmadi, 2004; Hosseini, 2008; Maghsoudi, 2001; Mirmohammadi, 2004; Rezaei, 2015; Zarghami, 2010)

یافته‌های تحقیق

متغیرهای اجتماعی - سیاسی

از بین متغیرهای استخراج‌شده در بخش کتابخانه‌ای، تعداد ۱۷ متغیر که تأثیرگذار بر کنش‌های اجتماعی - سیاسی بلوچ‌های ایران بود استخراج گردید. با توجه به این که متغیرهای استخراج‌شده متعدد و گاهی متناقض بود، به جامعه آماری متخصص ارائه شد و نتایج حاصل از آن با استفاده از روش ساده، وزن دهی شد که نتایج حاصل از آن در جدول ۲ آمده است (منبع متغیرهای ۱۷ گانه: (Ebrahimzadeh, 2010, 2012; Janebollahi, 1996; Karimipour, 1992; Papoli Yazdi, 1988; Salzman, 1996)). غالب متغیرهای مورد تأیید، اجتماعی - فرهنگی بود که بر مبنای مفروض اولیه، بر رفتار سیاسی شهروندان تأثیرگذارند. به عبارت دیگر متغیرهای اجتماعی استخراج‌شده بر کنش‌های سیاسی سطح محلی و ملی و حتی منطقه‌ای تأثیرگذار است. لذا سؤال طراحی شده بر این مبنا قرار گرفت که به هر یک بر مبنای نقش‌آفرینی و درجه اهمیت آن در کنش سیاسی - فرهنگی بلوچ‌ها عددی بین ۱ تا ۱۰ بدهید. پس از کسب امتیازات به دست آمده و نرمال‌سازی آن‌ها، نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۱- متغیرهای اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار بر کنش سیاسی شهروندان بلوچ

رتبه	نرمال‌سازی	میانگین نمره	متغیر
۱	۰/۱۲۱	۶/۶	رهبری دینی و مذهبی
۴	۰/۱۰۸	۵/۹	ساختار طایفه‌ای
۵	۰/۱۰۵	۵/۷۲	خانواده
۸	۰/۰۹۰	۴/۸۸	رسانه‌های دولتی
۷	۰/۰۹۱	۴/۹۶	شبکه‌های اجتماعی نوین
۶	۰/۰۹۳	۵/۰۸	فرد به عنوان عضوی از قوم بلوچ
۱۰	۰/۰۷۹	۴/۳۲	ساختار سطح ملی
۹	۰/۰۸۶	۴/۷	منافع فردی
۳	۰/۱۰۹	۵/۹۶	آیین‌ها و رسم‌های محلی
۲	۰/۱۱۶	۶/۳۴	زبان بلوچی
	۱	۵۴/۴۶	جمع

یافته‌های پرسشنامه‌ای

با توجه به تأیید متغیرهای فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار بر کنش سیاسی شهروندان بلوچ و تأیید روایی و پایایی حاصل از آزمون‌های اولیه، نتایج به دست آمده از مرحله قبل، در قالب پرسشنامه حاوی اشکال مختلفی از گویه‌های تأیید شده در طیف لیکرت، بین جامعه آماری توزیع شد. نتایج حاصل از ارزیابی گویه‌ها، از نظر نمونه‌های آماری در جامعه آماری مربوطه در آزمون تی دوجمله‌ای به شرح جدول ۳ آمده است.

جدول ۲- متغیرهای اجتماعی - فرهنگی حاصل از پرسشنامه آماری

متغیر	شرح	گروه‌ها	تعداد	نسبت مشاهده شده
نقش رهبران مذهبی در کنش‌های اجتماعی - سیاسی	گروه ۱	موافق	۴۲	% ۹۶
	گروه ۲	مخالف	۲	% ۰۴
	مجموع		۴۸	% ۱۰۰
تأثیر ساختار طایفه‌ای بر کنش‌های اجتماعی - سیاسی	گروه ۱	موافق	۴۲	% ۹۵

متغیر	شرح	گروه‌ها	تعداد	نسبت مشاهده شده
		گروه ۲ مخالف	۲	۰۵٪
		مجموع	۴۴	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۳۷	۹۳٪
نقش خانواده در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی		گروه ۲ مخالف	۳	۰۷٪
		مجموع	۴۰	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۱۸	۵۱٪
رسانه‌های دولتی تأثیرگذار بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی		گروه ۲ مخالف	۱۷	۴۹٪
		مجموع	۳۵	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۴۰	۹۵٪
شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی		گروه ۲ مخالف	۲	۰۵٪
		مجموع	۴۲	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۳۷	۹۳٪
تأثیر کلیت فرهنگ طایفه‌ای حاکم بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی		گروه ۲ مخالف	۳	۰۷٪
		مجموع	۴۰	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۳۸	۹۷٪
قوم محور بودن کنش‌های سیاسی - اجتماعی شهروندان بلوچ		گروه ۲ مخالف	۱	۰۳٪
		مجموع	۲۹	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۳۹	۹۳٪
نقش منافع ملی در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی		گروه ۲ مخالف	۳	۰۷٪
		مجموع	۴۲	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۳۵	۹۵٪
تأثیر آیین‌ها و رسم‌های محلی بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی		گروه ۲ مخالف	۲	۰۵٪
		مجموع	۳۷	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۴۰	۹۱٪
نقش لهجه بلوچی بر تقویت کننده همگرایی با دیگر شهروندان ایرانی		گروه ۲ مخالف	۴	۰۹٪
		مجموع	۳۷	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۳۶	۸۸٪
تأثیر ساختار مذهبی بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی شهروندان بلوچ		گروه ۲ مخالف	۵	۱۲٪
		مجموع	۴۱	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۲۱	۵۱٪
تأثیر ساختارهای سطح ملی در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی بلوچ‌ها		گروه ۲ مخالف	۲۰	۴۹٪
		مجموع	۳۳	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۲۰	۴۹٪
منافع فردی تأثیرگذار بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی بلوچ‌ها		گروه ۲ مخالف	۲۱	۵۱٪
		مجموع	۴۱	۱۰۰٪
		گروه ۱ موافق	۲۰	۴۹٪

نقش رهبران مذهبی در کنش‌های اجتماعی - سیاسی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده شده در این گویه برابر ۰۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰۵٪ است، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «رهبری دینی و مذهبی ترغیب کننده کنش‌های سیاسی - اجتماعی» است، برابر ۹۶ درصد است. در نتیجه فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

تأثیر ساختار طایفه‌ای بر کنش‌های اجتماعی - سیاسی: در ارتباط با ساختار طایفه‌ای تأثیرگذار بر کنش‌های اجتماعی - سیاسی، با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ می‌باشد و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ است، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «ساختار طایفه‌ای ترغیب‌کننده کنش‌های سیاسی - اجتماعی» آن‌ها می‌باشند، برابر ۹۵ درصد هست. در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

نقش خانواده در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده در این زمینه برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «خانواده ترغیب‌کننده کنش‌های سیاسی - اجتماعی» است، برابر ۹۳ درصد بوده و در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود. رسانه‌های دولتی تأثیرگذار بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۱٪ است و این مقدار بزرگ‌تر از ۰.۵٪ می‌باشد، بنابراین آزمون فوق معنی‌دار نیست و نمی‌توان فرضیه صفر را رد کرد. به عبارت دیگر، رسانه‌های دولتی فاقد نقش ترغیب‌کنندگی کنش‌های سیاسی - اجتماعی در بین شهروندان بلوچ هستند.

شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ است، فرض صفر موردپذیرش قرار نمی‌گیرد. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «شبکه‌های اجتماعی نوین ترغیب‌کننده کنش‌های سیاسی - اجتماعی» است برابر ۹۵ درصد است و در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

تأثیر کلیت فرهنگ طایفه‌ای حاکم بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی: توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «کنش‌های سیاسی - اجتماعی تابع فرهنگ طایفه‌ای حاکم بر قوم» است برابر ۹۳ درصد است. در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

قوم محور بودن کنش‌های سیاسی - اجتماعی شهروندان: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «کنش‌های سیاسی - اجتماعی شهروندان بلوچ، قوم محور» می‌باشند برابر ۹۳ درصد است و در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

نقش منافع ملی در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق فرض «نقش منافع ملی در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی»، برابر ۹۳ درصد است و در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

تأثیر آیین‌ها و رسم‌های محلی بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ است، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «آیین‌ها و رسم‌های محلی ترغیب‌کننده کنش‌های سیاسی - اجتماعی» است برابر ۹۵ درصد است و در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

نقش لهجه بلوچی بر تقویت‌کننده همگرایی با دیگر شهروندان ایرانی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰.۰٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰.۵٪ است، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «لهجه بلوچی تقویت‌کننده همگرایی با دیگر شهروندان ایرانی» است برابر ۹۱ درصد است و در نتیجه فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

تأثیر ساختار مذهبی بر کنش سیاسی - اجتماعی شهروندان: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده برابر ۰۱۴٪ است و این مقدار کوچک‌تر از ۰۵٪ است، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «کنش سیاسی - اجتماعی شهروندان بلوچ متأثر از ساختار دینی - مذهبی آنان» است برابر ۸۸ درصد هست و در نتیجه فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

تأثیر ساختارهای سطح ملی در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰۵٪ است، فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «ساختار سطح ملی نقش بیشتری را در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی» دارد برابر ۵۱ درصد است و در نتیجه فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. ساختارهای سطح ملی در شکل‌گیری تضادهای درون منطقه‌ای و رقابت‌های قومی و مذهبی بروز کرده است. رقابت‌های قومی با توجه به ساختار سیاسی مذهبی مسلط بر کشور بستر ورود شیعیان را در ساختارهای اداری، سیاسی و فرهنگی و مدیریتی بخش بلوچستان هموارتر نمود. از سوی دیگر تحت تأثیر عملکرد سطح ملی و کاهش به‌کارگیری شهروندان سنی مذهب در ساختارهای فوق‌الذکر، رقابت مذهبی و قومی ناحیه‌ای در این بخش از فضای جغرافیایی ایران پررنگ‌تر شد. برآیند شرایط مزبور در بروز چالش‌ها و منازعات محلی بی‌تأثیر نبود.

منافع فردی تأثیرگذار بر کنش‌های سیاسی - اجتماعی: با توجه به اینکه احتمال معنی‌داری مشاهده‌شده در ارتباط با گزاره فوق بزرگ‌تر از ۰۵٪ است، فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین بر اساس نمونه فوق نسبت افراد موافق این فرض که «منافع فردی نقش بیشتری را در بروز کنش‌های سیاسی - اجتماعی» دارد برابر ۴۹ درصد است و در نتیجه فرضیه تحقیق مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی خصلت‌ها، ویژگی‌ها، روحیات، ارزش‌ها، ایستارها و احساسات شهروندان بلوچ در متغیرهای مورد مطالعه، نشان می‌دهد که ساختارهایی که بر کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی و سپس سیاسی آنان تأثیرگذار است به ترتیب عبارت‌اند از: در بین ساختارهای نسبتاً پایدار محلی، رهبران دینی و مذهبی نقش تأثیرگذاری را از نظر جامعه آماری متخصص دارند.

جدول ۳- متغیرهای اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار بر کنش سیاسی شهروندان بلوچ

رتبه	شاخص‌ها
۱	رهبری دینی و مذهبی
۲	زبان بلوچی
۳	آیین‌ها و رسم‌های محلی
۴	ساختار طایفه‌ای
۵	خانواده
۶	فرد به‌عنوان عضوی از قوم بلوچ
۷	شبکه‌های اجتماعی نوین
۸	رسانه‌های دولتی
۹	منافع فردی
۱۰	ساختار سطح ملی

در ارتباط با نظر شهروندان بلوچ، نتایج به‌دست آمده در هر یک از متغیرهای مورد سنجش برابری و شباهت زیادی به نظر جامعه آماری متخصص دارد. به‌عبارت‌دیگر، متغیرهای مذهبی، زبانی، ساختار طایفه‌ای بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری

کنش‌های اجتماعی - سیاسی شهروندان بلوچ داشت. از سوی دیگر منافع فردی، رسانه‌های دولتی و ساختار سطح ملی کم‌ترین تأثیرگذاری را بر کنش‌های اجتماعی - سیاسی شهروندان بلوچ داشتند. تفاوت نظرسنجی نجبگان و شهروندان در بخش میانی متغیرهای مورد مطالعه است. در این بخش، جامعه نجبگی نقش شبکه‌های اجتماعی را پس از متغیر خانواده می‌داند و شهروندان بلوچ، نقش شبکه‌های اجتماعی را پررنگ‌تر می‌دانند.

جدول ۴- نتایج به‌دست آمده از نظرات مخالف و موافق

متغیرهای اجتماعی - سیاسی تأثیرگذار بر کنش سیاسی

مخالف	موافق	متغیرها
۲	۴۲	رهبری دینی و مذهبی
۵	۳۶	تأثیر ساختار مذهبی
۲	۴۲	زبان بلوچی
۲	۳۵	آیین‌ها و رسم‌های محلی
۲	۴۲	ساختار طایفه‌ای
۳	۳۷	خانواده
۲	۳۸	قوم محور بودن کنش‌ها
۲	۴۰	شبکه‌های اجتماعی نوین
۱۷	۱۸	رسانه‌های دولتی
۱۰	۲۹	منافع فردی
۳	۳۹	سطح ملی (منافع ملی)
۲۰	۲۱	ساختار سطح ملی
۳	۳۷	کلیت فرهنگ حاکم
۴	۴۰	تأثیر لهجه بر همگرایی ملی

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل ساختارهای مورد مطالعه در این پژوهش نشان می‌دهد که کوشش تاریخی و رویه مشترک شهروندان بلوچ ایران نسبت به برخی از متغیرهای مورد تأیید جامعه آماری متخصص و نیز شهروندان بلوچ با اختلافات اندکی شبیه یکدیگر است.

در بین متغیرهای بررسی شده، نقش رهبران دینی و مذهبی بیش از سایر متغیرها است. اعتقادات مذهبی نقش بسزایی در آداب و رفتار و شیوه زندگی آنان دارد و بی‌شک در چنین جامعه مذهبی، عالمان مذهبی هدایت‌گر کنش‌های اجتماعی - سیاسی هستند. به دلیل عدم وجود تشکیلات سیاسی منسجم و بانفوذ در منطقه بلوچستان، شهروندان این بخش متأثر از دیدگاه‌ها و تصمیمات علما و راهبران مذهبی هستند. علاوه بر نقش رهبران مذهبی، ساختارهای طایفه‌ای، در بروز کنش‌های اجتماعی - سیاسی نقش آفرین هستند و تصمیمات رئیس طایفه و بزرگان در بروز کنش‌های مربوطه تأثیرگذار است.

تغییرهای بیرونی تأثیرگذار بر رفتار و کنش اجتماعی - سیاسی شهروندان بلوچ را می‌بایست در ساختار سطح ملی و نقش حکومت در بروز کنش‌های فردی و اجتماعی شهروندان بلوچ مورد ملاحظه قرارداد که غالباً بسترسازی تفکیک و جدایی اجتماعی تاریخی را در این بخش از کشور به وجود آورده است. ساختار سطح ملی به واسطه اشکال مختلفی در بروز جدایی‌گزینی محلی نیز دخیل بوده است و نوعی تفکیک فضایی را بین شهروندان بلوچ و زابلی در بخش شمالی منطقه شکل داده است. این ساختار تأثیرگذار ملی و برآیند آن به شکل تفکیک قومی - مذهبی بر شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی - سیاسی محلی تأثیرگذار بوده و پایداری کنش‌های متعارض را در سطح محلی به وجود خواهد آورد.

سهم نویسندگان: برزین ضرغامی (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی (۵۰٪)، ابراهیم رومینا (نویسنده دوم، مسئول)، (۵۰٪).

منابع و مآخذ

- Ahmadi, H. (2004). *Ethnicity & ethnocentrism in Iran: myth & reality* (4 ed.). Tehran: Nashreny. (Persian)
- Almond, G. (1956). Comparative political systems. *Journal of Politics*, 18(3), 391-409. [DOI:10.2307/2127255]
- Almond, G., & Coleman, J. (Eds.). (1960). *The politics of the developing areas*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Azad Armaki, T. (1997). *Theories of sociology*. Tehran: Soroush. (Persian)
- Azkiya, M., & Ghaffari, G. (2005). *Development sociology*. Tehran: Keyhan. (Persian)
- Bashiriyeh, H. (2005). *Marxist thoughts* (Sixth ed.). Tehran: Ney. (Persian)
- Bashiriyeh, H. (2010). *Political sociology*. Tehran: Ney. (Persian)
- Chilcote, R. H. (1998). *Theories of comparative politics* (V. Bozorgi & A. R. Teyeb, Trans.). Tehran: Rasa. (Persian)
- Craib, I. (2002). *Modern social theory from parsons to habermas* (A. Mokhber, Trans.). Tehran: Agah. (Persian)
- Dalby, S. (2008). Imperialism, domination, culture: The continued relevance of critical geopolitics. *Geopolitics*, 13(3), 413-436. [DOI:10.1080/14650040802203679]
- Dowse, R. E., & Hughes, J. A. (1972). *Political sociology*. New York: John Wiley and Sons Ltd.
- Ebrahimbai Salami, G. H. (2005). The perspective of sustainable development in eastern Iran. *Geographical Researches Quarterly Journal*, 20(2), 46-65. (Persian)
- Ebrahimpzadeh, I. (2010). *Land use and environmental planning in South East of Iran*. Tehran: Ettelaat. (Persian)
- Ebrahimpzadeh, I. (2012). *Geographical area of southeast of Iran with emphasis on Sistan and Baluchestan*. Tehran: Samt. (Persian)
- Eckstein, H. (1988). A culturist theory of political change. *American Political Science Association*, 82(3), 789-804. [DOI:10.2307/1962491]
- Ghalibaf, M. B. (1996). *Investigating of geographic elements in the security of Sistan and Baluchestan*. (Master's thesis), Tehran University. (Persian)
- Hafeznia, M. R., & Allahverdizade, R. (2010). A Study of Relationship between the Unitary State System and National Unity: Case Study of Iran. *Iranian Political Science Association*, 5(1), 41-68. (Persian)
- Hafeznia, M. R., & Kaviani Rad, M. (2004). *The new approaches in political geography*. Tehran: Samt. (Persian)
- Hajiani, E. (2010). *Rreview of cultural problems*. Tehran: Expediency Discernment Council. (Persian)
- Hatch, M. J. (1997). *Organization theory: Modern, symbolic and postmodern perspectives*. London: Oxford University Press.
- Hosseini, S. S. (2008). *Government policy and interethnic relations (Case: Baluch and Sistani)*. (Master's Thesis), Tarbiat Modares University. (Persian)
- Inglehart, R. (1988). The renaissance of political culture. *The American Political Science Review*, 82(4), 1203-1230. [DOI:10.2307/1961756]
- Janebollahi, M. S. (1996). Political, social and economic systems in Baluch Sarhad Tribes (case study: Riggi Tribe). *Geographical Researches Quarterly Journal*, 41, 59-82. (Persian)
- Karimipour, Y. (1992). *Geopolitical analysis of crisis areas of Sistan and Baluchestan*. (PhD thesis), Tarbiat Modares University. (Persian)
- Kaviani Rad, M. (2001). *The role of ethnic identity in national unity (case: Baluch ethnic)*. (Master's thesis), Tarbiat Modares University. (Persian)
- Lashgari Tafreshi, E. (2018). An inquiry into the recognition of spatial contexts of centralization governance system acceptability in Iran's political culture in recent century. *Geographical Researches Quarterly Journal*, 33(1), 224-237. [DOI:10.29252/geores.33.1.224]. (Persian)
- Lazarsfeld, P. F. (1997). *Insights and important trends in contemporary sociology* (G. A. Tavassoli, Trans.). Tehran: Amirkabir. (Persian)
- Lerner, D., & Lucille, W. (2004). *The passing of traditional society: modernizing the middle east* (G. R. Khajeh Sarvi, Trans.). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (Persian)
- Lijphart, A. (1980). The structure of inference, in gabriel almond and sydney verba, *The Civic Culture Revisited*.
- Maghsoudi, M. (2001). *Ethnic evolution in Iran, causes and contexts*. Tehran: National Studies Institute. (Persian)
- Mirmohammadi, D. (2004). *Discourses on national identity in Iran*. Tehran: National Studies Institute. (Persian)

- Moghadasi, A. A., & Ghodrati, H. (2004). The anthony giddens structural theory and its methodological foundations. *Journal of Social Sciences, Ferdowsi University*, 1(4), 1-31. (Persian) [DOI:10.22067/jss.v0i0.3086]
- Nosratinejad, F. (2002). *A survey on the political culture of political groups*. (Thesis, MSc), Tarbiat Modarres University of Tehran. (Persian)
- Papoli Yazdi, M. H. (1988). Political-economic effects of Balochistan without palm trees. *Geographical Researches Quarterly Journal*, 4(2), 5-35. (Persian)
- Razzaghi, S. (1996). Components of our political culture. *Naghd va Nazar*, 2(7-8), 200-213. (Persian)
- Rezaei, M. (2015). *Impact of regional demands on political action, case: Baluch*. (Master's Thesis), Tarbiat Modares University. (Persian)
- Ritzer, G. (1998). *Contemporary sociological theory* (M. Salasi, Trans.). Tehran: Elmifarhangi. (Persian)
- Salzman, P. C. (1996). *Kin and contract in Baluchi herding camps* (M. Daneshvar, Trans.). Zahedan: Plan and Budget Organization. (Persian)
- Sariolghalam, M. (2010). *Political culture of Iran*. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. (Persian)
- Weiner, M., & Huntington, S. (2002). *Understanding political development, translated: Research Institute of Strategic studies* (Research Institute of Strategic Studies, Trans.). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (Persian)
- Zarghami, B. (2010). *Comparative analysis of the opportunistic and threatening geopolitical backgrounds of Baluch and Turkman in Iran*. (PhD Thesis), University of Tehran. (Persian)